

از هفت تپه تا موج وسیع اعتصابات کارگری

خالد حاج محمدی



اعتصابات کارگران هفت تپه وارد شصتمین روز خود شد. اکنون دوماه است که پنج هزار کارگر هفت تپه همراه با خانواده های خود در مقابل کارفرما و دولت و مجلس و دستگاه سرکوب، در دفاع از ابتدایی ترین حقوق خود متحد ایستاده اند. در این مدت صدها نشست در میان حکام، مجلس، بیت رهبری، قوه قضائیه، دولت، مراکز پلیسی و اطلاعاتی و دستگاه های تبلیغاتی آنها، خانه کارگر و سران و نمایندگان جمهوری اسلامی در شوش و خوزستان صورت گرفته است تا بتوانند به این همبستگی و اتحاد پایان دهند و هفت تپه ای ها را به زانو درآورند. هفت تپه در این جدال پیروزمند و سربلند بیروان آمد! هفت تپه و اتحاد کارگران آن امروز سنگری مهم در مبارزه طبقه کارگر در ایران و بخش محروم جامعه در دفاع از حق زندگی و عدالتخواهی، علیه استثمار و بردگی در مقابل یک حاکمیت هار بورژوازی و تا دندان مسلح است. ایستادگی قهرمانانه کارگران هفت تپه در این سنگر، قرب و احترام والایی در میان دهها میلیون کارگر و میلیونها انسان شرافتمند آن جامعه نسبت به خود کسب کرده است. داستان مبارزات کارگران هفت تپه در این چند سال، داستان استقامت و هوشیاری آنها، داستان توطئه های کارفرما و ارگانها و مقامات دولتی و هوشیاری کارگران هفت تپه و خنثی کردن آنها، امروز به عنوان افتخارات کل طبقه کارگر ایران در قلب طبقه کارگر و بخش محروم جامعه حک شده است. جایگاه کارگران هفت تپه در جنبش کارگری ایران، اعتبار و اتوریته رهبران و سخنگوان آنها در جامعه ایران، بر کسی پوشیده نیست. در جامعه ای که دهها هزار انسان حق طلب اعدام شده اند، چند میلیون انسان طعم تلخ شکنجه و زندان و شلاق حاکمین را تجربه کرده اند، اعتراضات و اعتصابات که به خون کشیده شده اند، ایستادگی کارگر هفت تپه و حفظ اتحاد و همبستگی آنها به عنوان گردانی از یک طبقه، دفاع آنها از رهبران و سخنگویان خود، جایگاه اتحاد کارگری و اهمیت و ارزش آن و تقدس نفس این اتحاد را، به خودآگاهی بخش مهمی از کارگران در ایران تبدیل کرده است.

در ادامه اعتصاب و اعتراضات کارگران هفت تپه، اکنون نزدیک به دو هفته است، دامنه اعتراضات کارگری از شوش و هفت تپه عبور کرده است و زنجیره ای از اعتصابات کارگری جامعه ایران را فرا گرفته است. اعتصابات بر حق این مدت دهها هزار کارگر صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ها دوره ای جدید از مبارزات کارگری را رقم زده است. اکنون از شوش و هفت تپه از کارگران هپکو در اراک تا آبادان، اهواز، ماهشهر، اصفهان، قشم، دشت آزادگان، کنگان، لامرد، مهر، جفیر، تا برق سیلان و شرکت نصب نیرو در اردبیل ... را اعتصابات بر حق کارگری فرا گرفته است. خواست و مطالبات همه کارگران تقریباً یکی است. پرداخت حقوق معوقه، افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار، لغو قراردادهای سفید امضا، کوتاه کردن دست پیمانکاران، امنیت شغلی، لغو خصوصی سازی و لگام زدن بر توحش بازار آزاد و مسئولیت پذیری دولت در قبال کارگران و در یک کلام تامین حداقل های یک زندگی شرافتمندانه، مطالبه فوری اعتصابات کارگری است.

فرا رفتن دامنه اعتراضات کارگری این دوره از هفت تپه، هپکو، آذر آب و معادن کرمان به بخش های مهمتر صنعتی ایران، به نفت، گاز، پتروشیمی ها و برق، بیان دوره ای جدید از جدال طبقه کارگر در ایران علیه تعرض افسار گسیخته بورژوازی و حکومتش به معیشت طبقه کارگر و کل مردم محروم جامعه است. مستقل از نتیجه نهایی این اعتصابات، سطح و دامنه اعتراضات کارگری این دوره، بیان دوره ای جدید از جدال طبقه کارگر با جمهوری اسلامی است. صفحه ۲

جامعه طرح روحانی را پذیرفته است!

«دو میلیون نفر بمیرند تا

سی میلیون به خیابان نریزند»

مظفر محمدی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

HEKMATIST.COM

هفتگی ۳۲۰

حکمتیست

۱۲ اوت ۲۰۲۰ - ۲۳ مرداد ۱۳۹۹
پنجشنبه ها منتشر میشود

پشت پرده «گشایش اقتصادی»

فواد عبداللہی

وعده سرخرمن قوای سه گانه نظام، پیرامون طرح «گشایش اقتصادی» روحانی، روغایی شد. می گویند که حال که نفت خام در خارج مرزها به فروش نمی رود و دخل و خرج دولت تامین نمی شود چه بهتر که آن را در داخل پیش فروش کرد!! مخالفان این طرح در صفوف نظام هم ادعا می کنند که در صورت اجرایی شدن آن، دولت آتی مقروض و ورشکسته می شود. این استدلالات کودکانه و پوچ را کسی نمی خورد. به چند دلیل:

طرح پیش فروش نفت خام بر متن شرایطی مطرح شده که تمدید تحریم های تسلیحاتی آمریکا علیه ایران در شورای امنیت به نظر می رسد رای نیابد و ترامپ هم قول داده که اگر در انتخابات آتی مجدداً برنده شود وارد توافق جدیدی با ایران می شود. «گشایش اقتصادی» آقایان قرار است زمینه مالی برای ایجاد شرایط جدیدی از تجارت اسلحه و بچاپ بچاپ که احتمالاً دست و بال شان را بازتر کند، آماده کنند.

از طرف دیگر، مشکل بر سر کمبود بودجه و ارز و پول در بازار ایران نیست؛ تنها یک فقره ۷۵۰ میلیارد دلاری مبلغ سود حاصل از فروش ارز دولتی در بازار از سوی اسدببگی مدیر عامل شرکت هفت تپه و در هماهنگی کامل با نظام فخمه آقایان صورت گرفته است. یعنی همین یک قلم معامله، بودجه ده دولت آتی را هم کفاف می کند؛ هم اکنون ماجرای وقوف جنگل های ایران و تقسیم دماوند به ۱۱ قطعه با صدور سند قانونی به تملک اوقاف درآمد است. سرمایه های کلفت «ستاد اجرایی فرمان امام»، «قرارگاه خاتم»، «استان قدس» و «بنیاد مستضعفان» هم که اساساً زیر نظر خامنه ای و سپاه اند، معرف خاص و عام اند؛ مضاف بر این، چندصد تن طلایی که در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد خریداری و انبار شده است، بنا به اظهارات مقامات وقت برابر با درآمد نفتی در ۳۴ سال گذشته بوده است. خودشان می گویند که مجموع ذخایر ما بالای ۱۰۰ میلیارد دلار است البته با احتساب ذخایر طلا؛ و سرمایه «صندوق توسعه ملی» نیز بالای ۵۰ میلیارد دلار است!

پس مشکل بر سر کمبود ارز، پول و ثروت در ایران نیست؛ بحث بر سر این است که این سرمایه حجیم با پیش فروش نفت در داخل که قرار است ضرب در دو شود، طبق معمول به چیزی جز رفاه طبقه کارگر و اکثریت جامعه اختصاص داده می شود. در مملکتی که حق مسکن یک کارگر بزور ۲۰۰ هزار تومان است و تازه هنوز تصویب آن پشت درهای مجلس مانده است و در مقابل، حق مسکن یک نماینده مجلس ۲۰۰ میلیون تومان است، دم زدن از گشایش و بهبود اقتصادی به نفع محرومان، تف سربالا است. بحث بر سر کلفت تر کردن قطر خزانه دولت و مجلس و قوه قضائیه و نهادهای ریز و درشت حکومت اسلامی است؛ به این اعتبار، رقابت و دعوا در بالای حاکمیت بر سر تقسیم ثروت و سهم خواهی از این سرمایه حجیم تحت نام «گشایش اقتصادی» کاملاً واقعی است.

آزادی برابری حکومت کارگری

با دروذهای رفیقانه به کارگران اعتصابی هفت تپه و طبقه کارگر ایران

پیروزی کارگران هم طبقه‌ای‌مان را در آزاد ساختن نمایندگان هفت تپه، یوسف بهمنی، ابراهیم عباسی، محمد خنیفر و مسلم چشم خاور، تریک می‌گوییم.

ما به حملات دونالد ترامپ به مردم ایران، منجمله تحریم‌ها علیه ایران، اعتراض داریم. ما کارگران در سراسر جهان همگی منافع مشترک و دشمن مشترک داریم. کارگران جهان متحد شوید. ما کارگران چیزی جز زنجیرهایمان را از دست نمی‌دهیم و دنیایی برای فتح داریم.

جان رایمن ادمنین سایت اوکلند سوسیالیست (Oaklandsocialist.com)

عضو شبکه جهانی کارگران (WIN)

۱۶ ژوئیه ۲۰۲۰

لیست امضا کنندگان تا امروز:

Broome Tioga Green Party, Binghamton NY, Rick Sprout - chair
Timothy Close, Retired FireFighter/Paramedic, Ohio Association of
Professional Fire Fighters-OAPFF
Richard Sklader; Mike Harris, Retired warehouse worker

Frank Rogaczewski, adjunct instructor, union member Roosevelt
Adjunct Faculty Organization, Illinois Education Association

Fazlur Rahmat Organisation, member, Sosialisme Kerakyatan
Indonesia

B. Ross Ashley, retired hospital worker and union shop steward

Michael Karadjis, National tertiary Education Union, Australia

Jon Bekken, Philadelphia Labor Solidarity Committeem Professor of
Communications, Albright College

Sarah Morken, unemployed health care worker

NGS Scott Schroeder, member UFCW Local

Heather Schroeder, member, UFCW Local GS

Steve Leigh, SEIU local Retiree Chapter, and Seattle Revolutionary
Socialists

Jim Brash, member of UFCW Local

Cheryl Zuur, former president, AFSCME Local

Michael Brown, independent socialist



اما «گشایش» و دعوا در بالا تنها يك روی سکه است. روی دیگر آن پاسخ به مسئله بقاء سیاسی نظام و ورشکستگی اش در مقابل جامعه است؛ کل بورژوازی ایران و دولتش با يك بی‌اعتمادی عمیق از طرف جامعه روبرو است؛ عرض اندام کارگر، معلم، پرستار و.. غولی است که از شیشه بیرون آمده است. همه‌شان از دم، هژمونی رادیکالیسم قدرتمند کارگری و دینامیسم تک تک این اعتراضات و اعتصابات اخیر را می‌بینند و برنامه‌سلاخی آن را می‌ریزند. اینبار قرار است تحت نام «گشایش اقتصادی» و «سرمایه‌گذاری در داخل»، با پرچم دروغین دفاع از مردم محروم به ناجیان نظام تبدیل شوند و آنرا از تعرض نهایی طبقه کارگر مصون نگاه دارند.

اما دوران عوض شده است. گشایش واقعی اقتصادی، بهبود و رفاه جامعه در گرو متحدکردن جامعه علیه طبقه حاکمه است. قطع امید از بالا، چنان پتانسیل عظیمی را در پایین آزاد کرده است که تنها با تکیه بر آن و متحد کردن آن، رفاه و سعادت همگانی ممکن است.

کارگر و زن و جوان این مملکت از دیمه ۹۶ به این سو حکم به رفتن و عدم مشروعیت نظام داده‌اند؛ رابطه مردم با حاکمیت، پایین با بالا، دچار سکنه بی‌اعتمادی شده است و با هیچ ترفندی قابل ترمیم نیست. عبور از جمهوری اسلامی و جناح‌های آن، خیزش‌های پیاپی بر سر معیشت و گرانی و بی‌کاری، اعتصابات کارگران مراکز کلیدی به دنبال اعتصاب دو ماهه هفت‌تپه در دوره پسا کرونا، همه و همه بر متی شرایطی است که جامعه ایران از هر دو جناح عبور کرده و مهر این حکم را از دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ تاکنون بر اوضاع سیاسی ایران کوبیده است. اکنون طبقه کارگر ایران از پتروشیمی‌ها و نفت تا هفت‌تپه و معلمان و بازنشستگان با اعتراضات و اعتصابات گسترده خود در بخش‌های مختلف، آشکار و عیان به میدان نبرد بر سر رفاه، پا پیش گذاشته است و ادامه زندگی تحت سیطره فلاکت اقتصادی از طرف جمهوری اسلامی را زیر سوال برده‌اند. و دقیقاً همین تکان خوردن طبقه کارگر ایران بعنوان فاکتور کلیدی در شرایط حساس امروز است که لرزه بر حاکمیت بورژوازی ایران چه با عمامه و چه بی‌عمامه انداخته است. فهمیده‌اند که بیش از این نمی‌توان با وعده و وعید، با کلمات و عبارات در مورد مرگ و زندگی جمهوری اسلامی در مقابل جامعه حرف زد. دیگر هیچکس، حتی جناح‌های نظام را هم سرگرم نمی‌کند. از ججاریان بشنوید که اعلام کرده است: «زمان به ضرر کشور در حال سپری شدن است و چنانچه اصلاحات ساختاری کلید نخورد، شاید خیلی زود دیر شود!»

برای کسانی که نفرت مردم و پیشروی طبقه کارگر و کمونیسم را می‌بینند و می‌شناسند، برای کسانی که علاج‌ناپذیری موقعیت اقتصادی و سستی بنیاد حاکمیت خود نزد مردم پی برده‌اند، این «گشایش» به دنیا نیامده مرده است. به این اعتبار، این دیگر گشایش نیست، ادامه ۴۰ ساله تاکتیک بقاء از امروز به فردا است. سیاستی که بقاء جمهوری اسلامی را در هر دوره و از يك بحران به بحران بالاتر در برابر جامعه تامین کرده است. «گشایش اقتصادی» اخیر دولت روحانی همانقدر دوام خواهد آورد که برجام آورد. که «جهاد سازندگی» رفسنجانی، «گفتگوی تمدن‌های» خامنه‌ای و «مستصف‌پناهی» احمدی نژاد دوام آورد. اینها علامت‌های اختصاری هر دولت، آرم و لقب‌شان است که نهایتاً استراتژی بقاء جمهوری اسلامی را چه در منطقه و چه در مقابل جامعه تشنه رفاه و برابری و آزادی، جستجو کرده‌اند.

عبث‌بودن این «گشایش» هم می‌گذرد. درست مانند «اصلاح نظام و جنبش اصلاحات»، گواه‌گنبدگی عملی جناح‌های جمهوری اسلامی و سترونی سیاسی آنهاست؛ با هر «گشایش» این چنینی در نظام، در متی یک استیصال سیاسی - اقتصادی علاج‌ناپذیر در مقابل مردم، جمهوری اسلامی يك قدم بی‌اعتبارتر و به پرتگاه نزدیک‌تر می‌شود. این حقایق باید به تلاشی جهت متحد کردن طبقه کارگر و مردم محروم برای زیر و رو کردن بنیادهای سیستم گنبدیده حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شود. این اولویت حزب ما و همه کمونیست‌ها است.

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

دوره ای که در تاریخ چهل ساله حاکمیت جمهوری اسلامی نمونه نداشته است، دوره ای که شروع پایان اعتراضات و اعتصابات پراکنده کارگری در ایران است. این اعتصابات در امتداد اعتراضات مختلف کارگری و از جمله اعتصابات و قهرمانی کارگران هفت تپه، خطر عروج همه جانبه و متحد طبقه کارگر در مقابل بورژوازی ایران و حکومتش را به نمایش میگذارد و صفحه ای جدید از مبارزات کارگری را باز میکند. اعتصابات هفت تپه و فولاد اهواز، هیپکو، آذر آب، کارگران معادن کرمان و... فداکاری ها، همبستگی ها و حمایتها از این اعتراضات، اگر جامعه ایران را متوجه اهمیت و جایگاه این مبارزات کرد و اگر امید و خوشبینی وسیعی را به قدرت طبقه کارگر متحد ایجاد کرد و به این صف اعتماد به نفس و اتکا به خود بخشید، پیوستن کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها به صورت هماهنگ به این اعتراضات، بار دیگر جامعه را متوجه قدرت بی نظیر طبقه کارگر و جایگاه پرولتاریای صنعتی ایران خواهد کرد. همین حقیقت مستقل از نتیجه این اعتراضات و سرانجام آن، تلنگری جدی به افسار گسیختگی سرمایه داران و دولت و حاکمیت آنها خواهد زد و اهمیت و جایگاه مهم طبقه کارگر در سیر تحولات آتی را برجسته خواهد کرد.

بی تردید جامعه ایران و طبقه کارگر و افسار محروم جامعه در دوره ای سخت و حساس قرار دارند. تحریمهای اقتصادی امریکا و شرکایش، تهدیدهای نظامی ترامپ و متحدینش و تبلیغات جنگی و عربده کشی های سران آمریکا و ایران و شرکای بزرگ و کوچک آنها، پدیده های بسیار مخرب و موانع و سدهای بزرگی در مقابل طبقه کارگر ایران و جنبش عدالتخواهانه این طبقه، در مقابل اعتراضات آزادیخواهانه در جامعه ایران است. اضافه شدن پدیده کرونا و ترس از مرگ و بی امکاناتی مردم محروم و بی مسئولیتی جمهوری اسلامی در مقابل جان و زندگی طبقه کارگر و افسار محروم جامعه، سپهر و مانع جدی دیگر در مقابل این طبقه و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران گذاشته است. عوارض و عواقب این مشکلات در شکل نامنی، فضای جنگی، گرانی افسار گسیخته، فقر و بیکاری، لطامات باور نکردنی به دهها میلیون خانواده کارگری و بخش محروم جامعه زده است. این موانع و مشکلات مستقل از اهداف دولت ترامپ و متحدین او، مستقل از اهداف جمهوری اسلامی در این جدالها، بیشترین لطامات را به طبقه کارگر ایران و محرومان جامعه زده است. اینها ترسانکننده ترین سلاح جنگی علیه زندگی و هستی این طبقه و علیه اتحاد کارگران و مردم آزادیخواه ایران است. جمهوری اسلامی با علم به این حقایق، تلاش آگاهانه ای را به خرج داده است که نه تنها با اتکا به گرانی، بیکاری و فقر مطلق و گرسنگی دادن به طبقه کارگر و مردم محروم، آنها را به زانو در آورد که با توجیه این شرایط فلاکتبار و با تبلیغات وسیع و همه جانبه، مردم را به قناعت و طبعی جلوه دادن این شرایط و بعلاوه وقت خریدن برای خود استفاده کند. پروژه برجام در گذشته و تلاشهای اکنون آنها در حفظ آن، رابطه با چین و بستن قراردادهای وسیع و سنگین اقتصادی و قول بازسازی زیرساختهای اقتصادی و امید دادن به رشد سرمایه، مستقل از درجه واقعی بودن و نبودن آن، همزمان قرار است عمری برای آنها بخرد و جامعه را ساکت نگهدارد.

اما و مستقل از اینکه حتی اگر توافق آنها با چین به جایی برسد، حتی اگر خط جاده ابریشم و پروژه های اقتصادی چین عملی شود، حتی اگر معاملات بورژوازی ایران با چین به سرانجام برسد و یا اینکه اروپا و غرب در جنگ اقتصادی خود با چین قدمی به جلو بردارند و برجام را نگهدارند، واقعیت این است که نجات جامعه بورژوازی ایران و حاکمیت جمهوری اسلامی با مخاطرات جدی روبرو است. ناتوانی جمهوری اسلامی در جواب به بحران اقتصادی، جواب ندادن این معاملات با چین یا اروپا و حتی اگر به جایی برسند و بدون مانع اجرا شوند، در کوتاه مدت هیچ معضلی در این جامعه قابل حل نیست. نه گرانی افسار گسیخته و تورم بالا و نه بیکاری و ورشکستگی روزانه مراکز تولیدی قابل علاج است و از همه مهمتر نه جواب به حق طلبی طبقه کارگر ایران و مردم معترض و آزادیخواه قابل وصول است و نه موج اعتراضات این دوره خصوصا اعتراضات کارگری قابل خاموش کردن و تسلیم شدن است.

اما و مستقل از سناریوهایی که دولت روحانی و بیت خامنه ای و کل حاکمیت برای خود میچیند و به آن امید بسته اند، طغیان پایین جامعه و سرایت آن به مراکز تولیدی و خدماتی، و امروز سرایت آن به مراکز اصلی صنعتی در اشکال اعتصابات کارگری، خواب بالایی ها و کل بورژوازی ایران و نمایندگان مختلف آن نه تنها در حاکمیت که بعلاوه در اپوزیسیون را ربوده است. بی تردید این اعتصابات تحولی جدی در فضای سیاسی جامعه ایران و در جنبش کارگری محسوب خواهد شد. اگر

اعتصابات دو ساله اخیر در مراکز کارگری و خصوصا اعتصابات کارگران در فولاد، هیپکو، آذر آب و معادن و بعلاوه اعتصابات پرشور و متحد کارگران هفت تپه، همراه با اعتراضات وسیع توده های زحمتکش در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸، کل فضای جامعه را دستخوش تحولی کرد، اگر جامعه متوجه قدرت کارگران این مراکز و همبستگی آنها و عدالتخواهی این طبقه شد و به آن دل بست، اگر حمایتهای فراوان هم از داخل ایران و هم در سطح بین المللی از این اعتصابات شد، به میدان آمدن هماهنگ کارگران نفت و گاز، پتروشیمی ها و برق و همزمان ادامه اعتصابات در هفت تپه و هیپکو، فضای اعتراضی جامعه را بیش از پیش به نفع عدالتخواهی کارگری خواهد چرخاند. این حقیقت باز هم زمینه را برای پا پیش گذاشتن فعالین و رهبران کمونیست طبقه کارگر بعنوان پرچمدار یک جنبش عظیم ضد کاپیتالیستی و یک عدالتخواهی سوسیالیستی را فراهم میکند. این اوضاع قطعا فرصتی طلایی را برای اتحاد هر چه بیشتر بخشهای مختلف طبقه کارگر حول مطالبات مشترک را فراهم می آورد و زمینه عینی و واقعی برای اتحاد آنها بسیار بیش از گذشته فراهم است.

بی هیچ تردیدی و علیرغم فضای جنگی منطقه و دمیدن جمهوری اسلامی بر پروپاگاندا جنگی با اتکا به تهدیدات و قلندری ترامپ و همپالگی هایش، علیرغم فشار کمر شکن تحریم و اضافه شدن پدیده کرونا به این اوضاع، سیر تحولات این دوره جامعه ایران را جدال طبقه کارگر با سرمایه داران و حاکمین تعیین خواهد کرد و مهر این طبقه را خواهد خورد. تمام ماجرا این است که کمونیستها و رهبران واقعی و آگاه طبقه کارگر چقدر بتوانند امید و امیال و افق خود را در دل این جدال به افق و آرمان طیف وسیعتری از کارگران تبدیل کنند، موقعیت خود را بهبود بخشند و خود به چسب و لولای اتحاد در این طبقه تبدیل شوند. آیا میتوان با اتکا به شبکه ای از کارگران کمونیست و با اتوریته و روشنبینی طبقه کارگر، مبارزات این دوره را یک کاسه کرد و صفی متحد از این طبقه را در دل این اعتراضات به هم متصل و متحد کرد؟ آیا میتوان صف پراکنده اعتراضات کارگری که تا کنون در جریان بوده است را در این دوره و در دل اعتراضات بزرگ و مهم این دوره متحد کرد و با قدرت متحد خود دولت روحانی و کل هیئت حاکمه و بورژوازی ایران را وادار به عقب نشینی کرد؟ آیا میتوان با اتکا به صف یکپارچه خود، حداقل بخشی از مطالبات این دوره را تامین و موقعیت این طبقه در جدال با بورژوازی را بهبود و برای نبردهای آتی آماده شد؟ آیا میتوان در همه مراکز مهم صنعتی و حداقل در مراکز که امروز پا پیش گذاشته و حاکمیت را به مصادف طلبیده اند، این اعتراضات را متکی به مجامع عمومی کارگری کرد و نطفه های اولیه سازمانهای توده ای طبقه کارگر را ایجاد کرد؟ آیا در این اعتراضات طیفی از رهبران صالح و آگاه این طبقه، از سخنگویان و مدافعان سرسخت این طبقه عروج خواهند کرد و صف طبقاتی خود را در این جدال هدایت خواهند کرد؟ آیا فعالین کمونیست این طبقه در دل این جدال در قامت سخنگو و رهبر عملی نه تنها این اعتراضات بلکه و بعلاوه به عنوان رهبران سیاسی جامعه میداندار خواهند شد؟ تجربه بزرگ و مهم کارگران هفت تپه به همه این سوالات جواب مثبت داده است. آنها در دو سال گذشته دستاوردهای بزرگی کسب کردند. ایستادگی و حق طلبی آنها، مقابله با کارفرما و گستاخی او، مقابله با روسای جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوب آنها و پروژه های سرکوبگرانه مشترک آنها با اسد بیگی علیه کارگران، تهدید و اخراج نمایندگان آنها و زندان و پرونده سازی ها، توطئه ها و تبلیغات زهرآگین رسانه و خانه کارگر و همه عواملشان، تحسین عمیق جامعه را نثار هفت تپه ای ها کرد. اتکای کارگران به مجامع عمومی و شعور جمعی کارگران، نشستهای پی در پی و تصمیم گیری های مشترک، افشا و طرد عوامل حاکمیت در صفوف خود و نهایتا شکست حاکمیت و عقب نشینی آنها در مقابل اراده جمعی کارگران، همگی تجربه ای بزرگ برای طبقه کارگر است. اگر ۵ هزار کارگر هفت تپه اسد بیگی این طفل «شیرین» طبقه حاکمه را به دادگاه کشاند و حاکمین را مجبور به محاکمه او کرد، اگر آنها توانستند همه سدها و موانع را یکی بعد از دیگری در هم شکنند و نه تنها سخنگویان و نمایندگان خود بلکه و بعلاوه حامیان خود را از زندان بیرون آوردند و پرونده های آنها را مختومه اعلام کنند، هیچ دلیلی موجود نیست که سیر وسیع اعتصابات این دوره نتواند، دستاوردهای قابل توجهی از چه از نوع تامین مطالبات کارگران و چه ایجاد و شکل دادن به صفی متحد در میان این مراکز را تامین کند.

این تحول میتواند قدمی بزرگ جنبش کارگری را به جلو سوق دهد و طبقه کارگر ایران را در موقعیت به مراتب بهتر در جدال با حاکمیت و کل بورژوازی ایران قرار دهد. جامعه ایران چشم به تحولات جنبش کارگری بسته است و تجربه و قهرمانی کارگران هفت تپه نطفه های امید به این تحول و به پیروزی های بزرگ در جنبش عدالتخواهانه طبقه کارگر را کاشته است.

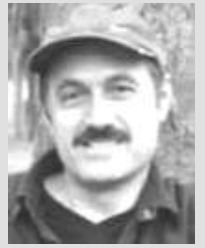
نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی



جامعه طرح روحانی را پذیرفته است؟

«دو میلیون نفر بمیرند تا سی میلیون به خیابان نریزند»

مظفر محمدی



از روز یکشنبه ۱۹ مردادماه از هفده زندانی بند ۸ زندان اوین، دوازده تن به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. اسماعلی عبیدی، جعفر عظیم زاده، امیرسالار داوودی، مجید آذری، محسن قنبری و محمدعلی مصیب‌زاده از جمله این زندانیان هستند. بنا به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، مقام‌های قضایی در باره شرایط خطرناک و غیرانسانی زندانیان از هنگام شیوع کرونا، پنهان کاری کرده‌اند. این در حالی است که اصغر جهانگیر رییس سازمان زندان‌ها، فروردین امسال در خصوص حفظ سلامت زندانیان مدعی شد که «ایران باید به‌عنوان مبتکر حمایت از حقوق زندانیان در دنیا شناخته شود!»

در پی ابتلای زندانیان، روز دوشنبه ۲۰ مرداد، ۲۷ تن از زندانیان سیاسی بند ۸ اوین تحصن کرده‌اند.

مدتی پیش زندانیان شهر سقز در اعتراض به شیوع ویروس کرونا و نبود امکانات مقابله با آن، شورش کردند. متعاقباً شورش زندانیان اهواز و اعتراضات دیگر زندانیان در شهرهای مختلف ایران جریان داشته است.

محمد رضا محبوب فر عضو ستاد مبارزه با کرونا، در مصاحبه با روزنامه جهان صنعت ۱۹ مرداد گفت آمار وزارت بهداشت در مورد تعداد مبتلایان و مرگ و میر ناشی از ویروس کرونا یک بیستم آمار حقیقی است. به این اعتبار میزان فوتی‌های کرونا در جهت برنامه و نقشه ی روحانی جنایتکار پیش می‌رود. یعنی، «دو میلیون نفر بمیرند تا سی میلیون به خیابان نریزند». همین‌طور پیش‌برود، دو میلیون نفر به تدریج می‌میرند، اما آیا این جنایت علیه بشریت می‌تواند جمهوری اسلامی را نجات دهد؟ رژیم می‌خواهد از پیش فروش نفت به مردم، بودجه‌اش تأمین کند، آیا امکان فرار از شورش گرسنگان را دارد؟ جواب این سوالات منفی است. سی میلیون نفر به خیابان خواهند آمد. چون راه دیگری باقی نمانده است.

خانواده‌های محرومان و بی‌نویان دیگر توان گرسنگی کشیدن را ندارند. زندانیان در زندان در خطر مرگ هستند، فروش اعضای بدن، تن فروشی، اعتیاد، گورخوابی و... نهایت فلاکت و تباهی جامعه است. می‌خواهند اقتصاد سرمایه‌داری را با گذشتن از روی نعش مردم نجات دهند. اقتصادی که بیش از چهار دهه است از خون و رنج و فقر و گرسنگی جامعه ارتزاق می‌کند.

هفتاد میلیون انسان زیر خط فقر و در معرض خطر مرگ از بیماری نمی‌تواند تا پایان نامعلوم اپیدمی کرونا صبر کند. اعتصابات کارگری، اعتراضات اجتماعی و خیزش عمومی علیه فقر و گرسنگی و گرانی و بی‌مسکنی و بی‌دارویی، جامعه را به لرزه در آورده و می‌آورد. مصادره انبارها، اعتصابات عمومی و شورش بینوایان در راه است.

عبور از بحران اجتماعی و فلاکت اقتصادی ایران در دستان طبقه کارگر و مردم زحمتکش قرار دارد. راهی از نکت نظام سرمایه‌داری و مصیبت‌هایش در پیام اعتصابات کارگران نفت و گاز و پتروشیمی‌ها و هفت تپه و قیام زحمتکشان بیروت شنیده می‌شود.

دنیای پس از این بحران در جهان اگر فراراست ساختار اقتصاد تغییر کند، باید ساختار سیاسی و قدرت و حاکمیت تغییر کند و جای بالایی‌ها و پایینی‌ها عوض شود.

طبقه کارگر و کمونیسم‌اش باید خود را برای کسب قدرت آماده کند. سوسیالیسم بعنوان آلترناتیو این نظام باید شفاف‌تر، قابل حصول و دسترس در معرض انتخاب جامعه قرار گیرد. طیفی از کارگران کمونیست و سوسیالیست و آزادیخواهان و برابری‌طلبان؛ با این تصمیم و آمادگی سراغ جامعه می‌روند. لشکری از سوسیالیست‌هایی که حزب می‌سازند، اعتصابات سراسری و عمومی و مصادره‌های انقلابی سازمان می‌دهند و قیام و انقلاب را در دستور قرار می‌دهند.

این تنها راه نجات جامعه از فقر و گرسنگی و فلاکت و از بیماری و مرگ و میر و تباهی است. این تنها راه نجات زندانیان از خطر مرگ بر اثر کرونا، شکست درب زندان‌ها و آزادی همه زندانیان از اسارت دشمنان مردم است.

قدرت طبقه کارگر در اتحاد اوست؛

کارگران جهان متحد شوید!



تماس با حزب

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی